

تداوم «بازی بزرگ» در جغرافیای افغانستان

مقدمتاً متذکر باید گردید که اهل مطبوعات، بخصوص در این شب و روز که مسأله خروج نیروهای نظامی ایالات متحده و ناتو در دستور کار قرار گرفته، آنرا به طنزی تشبیه مینمایند که توسط کارگزاران نظامی و سیاسی کارگردانی میگردد. اما در اینحال، اداره اوباما سعی میورزد تا درگام نخست از سرعت اقدام متذکره بکاهد و در صورت لزوم، پروسه متذکره را توقف بخشیده و آنرا ختم شده محسوب نماید. قرار است رئیس جمهور اشرف غنی، شخصاً عملیات خروج را تحت نظر داشته باشد. در افغانستان، طی این مدت زمان ۱۳ سال باید آمادگیهای لازم در صورت خروج نیروهای یاری امنیتی از افغانستان صورت میگیرد که نگرفت، اما حوادثی که در عراق پس از خروج نیروهای امریکایی اتفاق افتاد، نباید در کشور عزیزمان تکرار گردد و اگر چنین شود، بمفهوم «بهم چسباندن پیاله شکسته» تلقی میگردد. اندکی بعقب برمیگردیم:

در سده بیستم، افغانستان در امر «بازی بزرگ» به کانون توجه قدرتهای امپریالیستی آنزمان یعنی بریتانیا و روسیه تزاری، مبدل گردیده و بعدها نیز چنین امری مکرراً تکرار گردید. اما در سده ۲۱ ایالات متحده بمثابه «یگانه ابر قدرت» جهان، در واقعیت امر در جنگ با طالبان موفقیت آنچنانی بدست نیآورد، جنگ با طالبان بمثابه طولانیترین جنگ در تاریخ ایالات متحده ثبت گردیده که طی آن با مصارف یک میلیارد دالر و کشته شدن ۲۱۵۰ سرباز آن کشور همراه بود، اما با وجود اینهمه، سربازان و قراردادیان امریکایی در پایگاههای نظامی آن کشور در افغانستان همچنان به موجودیت خویش ادامه داده و قرار است تا به تعلیم و تربیه نظامی سربازان و افسران افغان و سازماندهی حملات شبانه، به کمک و معاونت منسوبان قوای مسلح افغانستان مبادرت ورزند.

مطابق مفهوم سیاست خارجی نوینی که رئیس جمهور اشرف غنی معرفی نمود، نامبرده اظهار داشت که ایالات متحده امریکا، افغانستان را در درجه سوم اهمیت در سطوح پنجگانه مهم محسوب مینماید: سطح اول را کشورهای همجوار، بشمول چین که با افغانستان مرز مشترک دارند، سطح دوم اهمیت بکشورهای اسلامی محدود میگردد و سطح سوم چنانچه گفته آمد، به کشور عزیز ما ارتباط می گیرد.

در سیاست جدید افغانستان در شرایط ریاست جمهوری اشرف غنی، با توجه به امکانات گفتگوهای صلح آمیز میان دولت افغانستان و مخالفان در این اواخر بهبودی حاصل نموده که در اینمورد رهبری چین بمنظور ادامه گفتگوهای متذکره، شایسته محسوب گردیده و بدینمنظور، دوماً نمایندگان طالبان را در پکن پذیرفت. این مسأله جداً قابل یادآوری میباشد که شخصاً اشرف غنی، سیاست و جهت گیری هندمحور و ضد پاکستانی رئیس جمهور قبلی حامد کرزی را متغیر و دگرگون نمود.

در این مقطع سوالی مطرح میگردد که چسان میتوان بر افغانها موثر واقع شده و کدام فعالیتها و کرده ها میتواند بر آنها اثرگذار واقع گردد؟

درست پس از یک ماه از انتخاب اشرف غنی به مقام ریاست جمهوری افغانستان، نامبرده به کشور چین سفر نمود، وی چین را شریک ستراتیژیک کشورش در پلانهای کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت نامید، در مقابل، رئیس جمهور چین، افغانستان را دوست مردم چین نامیده و آمادگی کشورش را در امر سهمگیری امور بازسازی و مساعدت به رشد و انکشاف اقتصادی افغانستان بجانب افغانی ابراز داشت. اشرف غنی در طول مدت زمان ۱۱ سال بمثابه کارمند بانک جهانی، معمولاً و اکثراً مصروف امور مربوط به کشور چین بود، اما این مراتبه نامبرده با جلب کمک اقتصادی به ارزش دومیلیارد یوان (۳۲۷ میلیون دالر)، چین را بمقصد کشور ترک نمود.

اعلامیه های خوشبینانه رهبران هر دو کشور را باید در زمینه «بازی بزرگ» سده ۲۱ در منطقه در نظر گرفت، در حالیکه ایالات متحده، مدت ۱۳ سال جنگ و نبرد را در سرزمین ما ادامه داد، اما این چین بود که بزرگترین قرارداد سرمایه گذاری را با کشور ما عقد نمود. در سال ۲۰۰۷، شرکت فلزات چین و شرکت مس سیانزی، در جمع کانسرسیوم، برنده مناقصه شده و قراردادی را به ارزش ۴،۴ میلیارد دالر در مورد استخراج مس عینک با طرف افغانی عقد نمود. پس از چهار سال، شرکت ملی نفت و گاز چین در سرمایه گذاری مشترک با شرکت محلی وطن آیل و گاز، حقوق بهره برداری از سه بلاک نفتی در قسمت شمال غربی افغانستان را بدست آورده و در زمینه مبلغ ۴۰۰ میلیون دالر سرمایه گذاری نمود.

مطابق ارقام ارائه شده توسط اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان، بسال ۲۰۱۲ بصورت ناگهانی، سرمایه های هفتاد شرکت امریکایی به مبلغ مجموعی ۷۵ میلیون دالر به کشور سر ازیر گردید، سیاستمداران واشنگتن متیقن گردیدند که کشور چین حتی یک یوان خود را نیز در جهت مبارزه با شورش و ناآرامی بمصرف نرسانیده و همچنان در عملیات مربوط به فعالیتهای ایساف در افغانستان، اصلاً سهم آنچنانی نگرفت، بلکه شرکتهای آن با استفاده از شرایط مساعدی که توسط ایساف فراهم گردیده، به فعالیتهای اقتصادی اش در افغانستان گسترش بخشید. همچنان ذکر این موضوع نیز قابل توجه میباشد که در عرصه برنامه های نرم افزاری نیز کشور چین از دیگران پیشی گرفت.

اما در مورد کشور هندوستان نباید از یاد برد که کشور نامبرده در امور بازسازی در هرنوبت، واشنگتن را دور زد. اگرچه ایالات متحده، به مبلغ دو میلیارد دالر کمک به کابل جهت ایجاد زیرساختهای کشور

از قبیل اعمار سرکها، مکاتب و پولی کلینیک ها ارائه داشت، اما سهم هندوستان در این بخش، بیشتر از مبلغ متذکره بوده و همچنان، کمکهای آن کشور با فساد اندک همراه بود.

ادامه تمرین در دوره ایی صورت گرفت که قانون قبلی طالبانی در جامعه حکمفرما بود، دولت هند، کمکهایش را بمنظور ایجاد شهرها، مکاتب، کلینیکها و ۰۰۰، از طریق بودجه دولت افغانستان، به کشور ادامه داد. جریان متذکره از وضعیت و شیوه کمکهای ایالات متحده امریکا و متحدینش که مقادیر پولی مستقیماً به پیمانکاران محلی و یا سازمانهای محلی و سازمانهای خارجی غیرحکومتی و در وضعیت عدم کنترل و نظارت از چگونگی مصرف آن، صورت می‌گرفت و تقلب و فساد در آن، شکل گسترده ای بخود اختیار نموده بود، کاملاً متفاوت بود. کمک مبلغ ۱۴۰ میلیون دالر، مصارف ساختمان تعمیر و ملحقات پارلمان افغانستان در کابل، یکی دیگر از سخاوتهای هندوستان در کشور ما محسوب می‌گردد. هندوستان بمثابه رقیب منطقوی پاکستان، در زمینه همکاریها و معاونتها با افغانستان، جایگاه شایسته ای را احراز نموده است. در نهایت امر، به عملکرد اینچینی هندوستان باید بصورت واقعی آن ارزش و اهمیت قائل گردید. در مقابل، در پاکستان نظامیان آن کشور سه مراتبه حکومتهای ملکی را سرنگون نموده و مدت زمان ۳۱ سال از آغاز ایجاد آن کشور در سال ۱۹۴۷ (با جداشدن از پیکر هند بریتانوی)، حاکمیت سیاسی را در آن کشور نظامیان در قبضه داشتند.

جداسازی پاکستان از پیکر هند بریتانوی درحالی صورت گرفت که خشونت‌هایی میان هندوها و سکها از یکجانب و مسلمانان از جانب دیگر، سراسر کشور را فراگرفته بود که در نتیجه، در حدود ۷۵۰ هزار نفر به قتل رسیده و به تعداد ۱۲ میلیون نفر هم از سرزمین اصلی شان فرار و از مرزها عبور نمودند. خونریزیهای بیسابقه دوماهه به جنگ تمام عیاری میان دو کشور همجوار نوتشکیل، مبدل گردید، تا اینکه مهاراجه ایالتی که اکثریت باشندگان آنرا مسلمانان تشکیل میدادند، در اتحاد با هندوستان متقاعد گردید.

درمورد معضلات کشمیر، بالاخره با وساطت سازمان ملل متحد، در ماه جنوری سال ۱۹۵۰ قراردادی مبتنی بر رعایت آتش بس میان طرفین عقد گردید. پس از عقد قرار داد یادشده، هندوستان دوینجم بخش کشمیر را کنترل و نظارت نموده و همچنان طرف هندوستان اعلام داشته که در صورت اعاده وضعیت عادی در سراسر کشمیر، در ایالت‌های آشفته همه پرسی را براه خواهد انداخت.

«بازی بزرگ» بر درب بعدی

بسال ۲۰۰۱، زمانیکه ایالات متحده طالبان را از کابل بیرون راند، نسخه امروزی «بازی بزرگ» احیا گردیده و همچنان، پاکستان و هندوستان درگیر جنگ نیابتی شدند. بخش اعظم رهبری طالبان به پاکستان، به کشوری که در آن زمان جنرال مشرف هم فرماندهی قوای مسلح آن کشور و هم مسولیت ریاست دولت را بعهده داشت، فرار نمودند. رهبران فراری طالبان در پاکستان، تحت حمایت سازمان استخبارات نظامی آنکشور قرار گرفتند. در ماه مارچ سال ۲۰۰۳ پس از توجه حداظمی نظامیان و منابع استخباراتی ایالات متحده بعراق، رهبری طالبان و در رأس ملا محمد عمر، به جنب و جوش خزنده ای متوسل گردیدند

بسال ۲۰۰۴، پس از انتخاب حامد کرزی به مقام ریاست جمهوری و پس از فرار طالبان از جغرافیای افغانستان، دهلی جدید به مسائل افغانستان علاقمند گردید. اما طالبان افغان و رهبران آنها در پاکستان و توسط سازمانهای استخباراتی آن کشور ایجاد گردیده و سر و سامان داده شدند که پس از تمویل، تجهیز و سپری نمودن جنگجویان در مناطق و پایگاههای نظامی پاکستان و پس از فراگیری فنون جنگی و آدمکشی و برادرکشی، به افغانستان فرستاده میشدند. در این مدت زمان، روابط میان حامد کرزی و پرویز مشرف، خشن و سرد شده بود. بمنظور مساعد ساختن و ایجاد جو اعتماد و تفاهم میان طرفین، آنها در ماه فبروری سال ۲۰۰۶، در اسلام آباد با هم ملاقات و گفتگو نمودند. حامد کرزی فهرست افراد و جنگجویان طالبانی را که در پاکستان بود و باش داشتند به پرویز مشرف سپرد تا دولت و مقامات امنیتی پاکستان در تعقیب و دستگیری آنها اقدام نمایند. اما هیچ عکس العملی از جانب مقامات پاکستان در مورد یادشده صورت نگرفت. پرویز مشرف بعدها ابراز داشت که بخش اعظم اطلاعات داده شده، کهنه شده و استفاده از آنها بی فایده است. پرویز مشرف بنوبه خویش از توطئه های ضد پاکستانی که بیشتر هندی محور میباشد و از توطئه ها و دسایسی که توسط وزارت دفاع و سازمان اطلاعاتی افغانستان سازماندهی میگردد، شکایت نمود. در ماه سپتامبر همین سال، پرویز مشرف طی مصاحبه ای با مجله نیوزویک، اظهار داشت که ملاعمر در شهر کندهار که زمانی مرکز فرماندهی طالبان محسوب میگردید، بود و باش دارد. اما کرزی در مورد به مقابله پرداخته گفت: «ملاعمر بگمان اغلب که در شهر کوپته پاکستان اقامت دارد، اینک من نمبر منزل، نمبر تلیفون و ۰۰۰ را به مقامات امنیتی پاکستان میسپارم» در چنین یک فضای پرتنش، روابط و مناسبات دو کشور حالت تب آلودی داشت.

پرویز مشرف که اکنون در شهر بندری کراچی در حبس خانگی بسر میبرد، طی مصاحبه ای با وال ستریت ژورنال، اظهار داشت که هندوستان و پاکستان، سپس در جنگ نیابتی در سرزمین افغانستان دخیل گردیدند.

با محاسبه و بررسی روابط و مناسبات میان دو کشور آسیای جنوبی، نزاع میان کرزی و مشرف بیش از پیش بالا گرفت که در چنین یک وضعیتی زیگنالی بگوشهای شخصیتهای سیاسی دهلی جدید طنین انداز گردید. طی همه پرسی ای که در سال ۲۰۰۹، توسط مرکز تحقیقات اجتماعی- اقتصادی افغانستان صورت گرفت، ۹۲ درصد افغانان در قبال پاکستان نظر غیر مطلوب داشتند که این تعدا در قبال هندوستان رقم ۲۱ درصد را نشان میداد.

در ماه اکتبر سال ۲۰۱۱، من موهن سنگ صدراعظم هندوستان و حامد کرزی، سند «همکاریهای ستراتیژیک» میان دولتهای هند و افغانستان را به امضای رسانیدند که از جمله مطابق آن، هندوستان مکلف گردید تا در تربیه و تجهیز نیروهای امنیتی افغان همت گمارد.

رهبران پاکستانی، افغانستان را بمثابه حیات خلوت پاکستان محسوب مینمودند. ترس و هراس آنها زمانی حالت مرگ آور بخود گرفت که نشریه ای در دوی، خبری رامبنی بر سفر تعدادی از منسوبان امنیتی

افغانستان غرض ادامه تحصیلات سه ساله بمنظور فراگیری شیوه ها و طرق نوین مبارزه با دهشت افگنی، نحوه استفاده از سلاحهای سبک و ثقیل و استفاده از وسایل و تجهیزات نظامی به هندوستان بنشر سپرد.

این حقیقت مسلم را نباید فراموش نمود که در اسلام آباد، بصورت دوامدار و همیشگی برای برهم زدن اوضاع در افغانستان سعی بلیغی بخرچ داده میشود. این مسأله نیز در پاکستان حساسیت هایی را باعث گردید که در پی تقاضاهای مکرر مسوولین بلند پایه نظامی پاکستان مبنی بر آموزش نظامیان و نیروهای امنیتی افغانستان در اکادمی های نظامی پاکستان، مسأله فوق از جانب کرزی مورد سوال قرار گرفته و از اجرای آن امتناع ورزیده شد.

یادآور باید گردید که حین سفر حامد کرزی به هندوستان در ماه دسامبر سال ۲۰۱۳، هردو دولت اعلام داشتند که به تعداد افراد نظامی و امنیتی افغانستان که در هندوستان مصروف فراگیری تعلیمات نظامی و امنیتی میباشند، سالانه از ۳۵۰ نفر به یک هزار نفر ارتقا یافته و بخش اعظمی از آنها بمنظور مبارزه علیه دهشت افگنی و آمادگیهایی به هدف مبارزه علیه تروریسم، تحت تعلیم و تربیه قرار داده میشوند. پس از اندکی، به اسلام آباد تا اندازه ای آرامش خاطر دست داد. این شگفت آور خواهد بود یادآور شویم که در افغانستان در مواجهه بارشد و ازدیاد روز افزون خطرات امنیتی، کانسرسیوم شرکتهای هندی، سرمایه گذاری در بخش ایجاد و ساخت راه آهن را از ۱۰،۳ میلیارد دالر به ۱،۵ میلیارد دالر کاهش داد.

متذکر باید گردید که بدعوت رئیس جمهوری چین، کرزی در ماه جون سال ۲۰۱۲، غرض اشتراک در جلسه سازمان همکاری شانگهای عازم چین گردید. در پکن، رهبران هردو کشور به امضا و پخش اعلامیه مشترک در مورد «همکاریهای ستراتیژیک میان چین و افغانستان» توافق نمودند. سه ماه پس از آن، وزیر امنیت عمومی چین به کابل سفر نموده که طی آن با طرف افغانی موافقتنامه هایی در امور اقتصادی و در مورد مسائل امنیتی عقد نمودند که مسأله آمادگیها و تعلیمات ۳۰۰ پولیس افغان طی چهار سال در چین، نیز در آن گنجانیده شده بود.

یکسال پس از آن، حین بازدید کرزی از چین، رئیس جمهوری آن کشور اعلام داشت که جمهوری چین حاضر است تا مبلغ ۲۰۰ میلیون یوان (۳۲ میلیون دالر) را طی سال ۲۰۱۳ به طرف افغانی تحویل داده و همچنان یادآور گردید که بمنظور نزدیکی روابط دو کشور، باید بتعداد ۱۴ کنفرانس منطقوی در مورد افغانستان تدویر یابد (نخستین کنفرانس از نوع ذکر شده در ماه نوامبر سال ۲۰۱۱ در ستانبول تدویر یافت).

بدین ترتیب، مقدمات صحنه چرخش عمده در «بازی بزرگ» در آسیا و در نسخه محدود آن (بمفهوم محدود کلمه)، در افغانستان فراهم گردید.